

نامه به کودکی که هرگز زاده نشد

اوریا نا فالاجی

مترجم

ستاره سادات آقامیری



انتشارات سفیر قلم

سرشناسه	: فالاجی، اوریانا، ۱۹۳۱-۲۰۰۶ م. Fallaci, Oriana
عنوان و نام پدیدآور	: نامه به کودکی که هرگز زاده نشد/ اوریانا فالاجی؛ مترجم ستاره سادات آقامیری
مشخصات نشر	: تهران: سفیر قلم، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-600-7435-63-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Lettera a un bambino mai nato, 2nd ed., 1975.
یادداشت	: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "Letter to a child never born" به زبان فارسی ترجمه شده است.
یادداشت	: کتاب حاضر با عناوین مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.
موضوع	: نامه‌های تخیلی. Imaginary letters
شناسه افزوده	: آقامیری، ستاره سادات، ۱۳۶۳ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ف ۳ ت ۶۱۴۰ / PN
رده بندی دیویی	: ۸۰۸/۸۶۰۴۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۱۴۹۹۴

نامه به کودکی که هرگز زاده نشد

نویسنده:	اوریانا فالاجی
مترجم:	ستاره سادات آقامیری
ناشر:	سفیر قلم
ویراستار:	نوید اصلانی
صفحه آرا:	لیلا حائری
نوبت چاپ:	چهارم / ۱۴۰۲
شمارگان:	۱۰۰ جلد
قیمت:	۸۹۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۳۵-۶۳-۲

مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان فخررازی، بن بست فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه دوم

انتشارات سفیر قلم تلفن: ۶۶۴۸۳۱۶۷ همراه: ۰۹۱۳۴۳۷۲۱۳۱

خرید اینترنتی: www.safireghalampub.com

مقدمه

اوريانا فالاجی در ۲۹ ژوئن سال ۱۹۲۹ در زمان زمامداری موسولینی در فلورانس به دنیا آمد. نه ساله بود که جنگ جهانی دوم شروع شد و پدر او که از موسولینی نفرت داشت، وارد جنبش مقاومت زیرزمینی گردید. اوريانا هم گرچه بعدها نوشت که دو طرف جنگ تفاوت چندانی نداشتند اما به پدر کمک می کرد و تا پایان جنگ تجربه های وحشتناکی را پشت سر گذاشت. هنوز بیست ساله نشده بود که نوشتن در روزنامه ها را آغاز نمود و به قول خودش قدرت واژه ها را کشف کرد. به خاطر قدرت بیان بالا، درک خاص سیاسی و جسارت فوق العاده به سرعت از نویسنده ی ستون کوچکی در یک روزنامه ی محلی، به خبرنگاری بین المللی که برای تعدادی از معتبرترین نشریات اروپا قلم می زد تبدیل شد.

فالاجی در طی سالها فعالیت حرفه ای خود، موفق به دریافت جوایز معتبر بسیاری از جمله مدال طلای تلاش فرهنگی برلوسکونی، جایزه امبرگنو درو، معتبرترین جایزه شهر میلان، جایزه آنی تیلور مرکز مطالعات فرهنگ عامه نیویورک شد. او همچنین یک بار کاندیدای دریافت جایزه ی نوبل ادبیات شد.

آثار

در سالهای دهه شصت، اوريانا یک سال در ویتنام و مکزیک زندگی کرد و کتابی با عنوان زندگی، جنگ و دیگر هیچ نوشت که نگاهی است آگاه بر پشت سنگر جنگ، بر اجتماعی که آتش و باروت، از انسان جز مثنی گوشت دریده از هم و لاشه ای خون آلود و کبود، چیزی بر جای نمی گذارد. او این کتاب را در پاسخ

خواهر کوچکش که می‌پرسید «زندگی یعنی چه؟» نوشت. کتاب با نثر خاص اوریانا و بسیار خشن، گاهی خوشبینانه و گاهی بسیار بدبینانه است. این کتاب جوایز زیادی را برای او به ارمغان آورد.

کتاب مهم دیگرش با نام مصاحبه با تاریخ در سال ۱۹۷۴ به چاپ رسید که مجموعه مصاحبه‌های او با شخصیت‌های بزرگ سیاسی است. تنوع این اشخاص و سبک و جسارت مصاحبه‌گری او برایش شهرتی فوق‌العاده به بار آورد.

در همین دوران سالهایی را با یک انقلابی یونانی به نام الکساندر پانساگولیس زندگی کرد و پس از کشته شدن وی در سال ۱۹۷۶، کتابی درباره او به نام «یک مرد» نوشت. از کتابهای دیگر او می‌توان به پنه لویه به جنگ می‌رود، نامه به کودکی که هرگز زاده نشد که فریادی است از خشم نسبت به آنچه بر سر بشر آمده است، در عین حال از عشق مادر شدن نیز می‌گوید. کتاب کوچکی که از نخستین سطر تا انتها سرشار از احساس شادی، ترس، مهربانی، یاس، خشم، امید، افسردگی و اضطراب است. شاید بحث اصلی کتاب سقط جنین باشد اما به طور کلی تمام دیدگاه‌های موجود درباره‌ی زن را توجیه می‌کند. کتاب دیگر او اگر خورشید بمیرد نام دارد که به مشاهداتش از آمریکا برمی‌گردد. این کتاب سوگنامه‌ایست در رثای از دست رفتن خویها، یا بهتر بگویم مجموعه سوالاتی است که از خواننده می‌پرسد اگر خویها بمیرد چه خواهد شد. «اگر خدا بخواهد...» که بیشتر شبیه یک رمان است و در سال ۱۹۹۱ چاپ شد. داستان آن در بیروت می‌گذرد و راجع به جنگهای داخلی لبنان است و نیم نگاهی نیز به جنگ خلیج فارس دارد.

سرانجام اوریانا فالاچی، در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۶، در سن هفتاد و شش سالگی در بیمارستانی در شهر فلورانس درگذشت.